

این روزها دچار خودم شستم

هفتاد و چهارمین شماره

www.ketab.ir

محمد جلیل مظفری

۱۳۹۰-۱۳۹۳

انتشارات
آه و ماه

محمد جلیل مظفری

نشر: آه و ماه

طراح جلد، صفحه آرایی و تنظیم: زینب دین محمدی

نوبت چاپ: نخست ۱۳۹۴

لیتوگرافی چاپ، صحافی:

شرکت چاپ و انتشارات وابسته به اوقاف

شمارگان (تیراژ): ۱۰۰۰

بها: ۷۰۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

تهران - انتشارات آه و ماه - تلفن: ۸۲۷۴۰۹

aah.o.maah@gmail.com

سرشناسه: مظفری، محمد جلیل ۱۳۴۲-

عنوان و بدید آورنده: این روزها دچار خودم هستم

مجموعه شعر محمد جلیل مظفری

مشخصات نشر: تهران، آه و ماه، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۴۷ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۱۵۴-۱-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۳۵۹۷۵۰

رده بندی کنگره: ۱/۶۲ فا ۸

رده بندی دیویی: ۹۱۳۹۴ الف ۶۸ ظ / ۸۱۶۱ PIR

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴

پیشگفتار

لحن بغض آلود نوخسروانی ها

پر بیراهه نیست اگر باورمند باشیم که هر شعری تا اندازه زیاد شخصیت خویش را و امدار قالبیست که در او زاده می شود و زندگی می کند. از این دیدگاه، قالب ها یکی از مهم ترین بخش های شناختن و واکاوی شخصیت شاعرند. هر قالبی زبان و شخصیتی دارد که آن را از قالب های ادبی دیگر جدا می سازد. قالب، فرصت هایی را به سراینده می دهد تا رویاهای خویش را در او بازسازی کند و جهان تازه ای را نسبت به توانمندی هایش در بیکرانگی زبان بیافریند. قالب های ادبی نیز چونان هر پدیده دیگر، یا می مانند و می بالند و یا از آفرینش باز می مانند و فراموش می شوند. تاریخ ادبیات ایران نیز قالب های ادبی بسیاری را تجربه کرده است که برخی از آن ها از نفس افتاده اند برخی نیز تا هنوز زنده اند. یکی از این قالب های ریشه دار و مهم که دریغا شعر فارسی دری تا چندی پیش کمتر به آن توجه کرده بود، قالب سه سطر است. قالب کوتاهی که بی هیچ گزافه ای یکی از توانمندترین شکل های شعر کوتاه ایران است. چرایی و چگونگی این که چرا سنت شعر فارسی دری تا کنون بدان توجه نکرده است؛ داستان دیگری دارد، که در این مجال کوتاه به آن نخواهم پرداخت. شاید یکی از مهم ترین دلایل بی توجهی شعر فارسی دری به این قالب کوتاه این باشد که سنت شعر فارسی دری برپایه مصرع های زوج بنا شده است و این قالب بر بنیاد مصرع های فرد است. این قالب اما در زبان های دیگر ایرانی سرنوشت دور و درازی دارد. سرنوشتی که او را به یکی از کهن ترین و قدیمی ترین قالب های ادبی شعر

ایران تبدیل می‌کند. این قالب کوتاه را در ادبیات پیش از اسلام، خسروانی می‌نامیدند. چندین قرن بعد، زنده‌یاد مهدی اخوان ثالث با تغییراتی اندک این گونه شعری را نوخسروانی نامید. در زبان کردی سه‌خشتی و در زبان مردم سیستان آیکه و سه‌کایی می‌گویند. سه‌کایی تازه شده قالب کهن آیکه است که جان، جهان و زبان نو و مدرنش را وامدار تجربه‌های شعر مدرن فارسی دری است. هم‌آوایی، هم‌سرشتی و هم‌معنایی آیکه با هایکو پرسش برانگیز و جالب است. از چند سال پیش، برخی از سرایندگان، بی‌آنکه تاریخ کهن ریشه‌دار این قالب سه‌سطری را یادآوری کنند - آگاهانه و یا ناآگاهانه - گمان کرده‌اند که قالبی تازه ابداع کرده‌اند و آن را سه‌گانی نام نهاده‌اند، در صورتی که بسیار پیشتر از ایشان، شعرهایی با عناوینی که ذکر آن‌ها رفت وجود داشته‌است و بسیاری از شاعران، بی‌هیچ ادعا و هیاهویی سرگرم تجربه‌اندوزی و سرودن شعر کوتاه سه‌سطری بوده‌اند. شعرهای مدرن و ارجمندی که بی‌هیچ گزافه‌ای از زیباترین و ماندگارترین شعرهای سه‌سطری معاصر هستند.

شاید بسیاری از خود پرسیده باشند که برآستی چه نیاز و ضرورتی ما را به تازه کردن این قالب کوتاه واداشته‌است؟ پرسش به این پاسخ دشوار نیست. نخست این که این قالب بسیار ریشه‌دار و توانمند است. دیگر این که با توجه به ساختار درونی‌اش، انعطاف بسیاری برای درهم شکستن وزن و هم‌سویی با باورهای شعر آزاد و مدرن معاصر دارد و سوم این که کوتاه و فشرده است. از این دیدگاه می‌تواند برای شعر کوتاه معاصر ایران بسیار مهم و ارزشمند باشد و اگر فرصت زاینده‌گی بیابد، بی‌تردید جایگاه بلندی در شعر امروز و فردای ایران خواهد یافت.

اکنون با این پیش درآمد کوتاه به سراغ مجموعه شعر "این روزها دچار خودم هستم" می‌رویم. این کتاب گزیده‌ای از هفتاد شعر است که سراینده، نامشان را، جانپاره نهاده است. جانپاره‌ها، شعرهای کوتاه سه سطری‌ای هستند که شاید بتوان آن‌ها را از نخستین تجربه‌های شعرهای کوتاه سه سطری فارسی دری نامید. این مجموعه از چند جهت برای شاعر و شعر کوتاه ایران مهم است. اهمیت این مجموعه نه به خاطر کوتاهی شعرها، بلکه به خاطر قالبی است که سراینده برگزیده است. قالب کوتاهی که دست کم برای بسیاری از خوانندگان شعر معاصر ایران ناشناخته است و تا کنون جز از سوی برخی از شاعران، به گونه‌ای جدی بدان پرداخته نشده است. سراینده، آگاهانه در این مجموعه از بکار برهن نام سنی این قالب، پرهیز کرده است.

اگر از چند نوخسروانی زنده یاد مهدی اخوان ثالث، شعرهای کوتاه برخی از شاعران نیمایی سرا و شعرهای سه پاره‌ای که چند تن از سرایندگان شعر کودک سروده‌اند، بگذریم، از جدی‌ترین سرایندگانی که در این قالب شعر سروده‌اند و شخصیت و هویتی تازه به این قالب بخشیده‌اند، بایستی از علی عباس‌نژاد، علیرضا قاضی مقدم، علیرضا فولادی، محمد جلیل مظفری و نگارنده، یاد کرد. بی‌تردید شاید بتوان مجموعه شعر "پرده بودن" از علی عباس‌نژاد (۱۳۸۷)، آه در مه، از علیرضا قاضی مقدم (۱۳۹۰)، "بادگار قمری همخون" (۱۳۹۰)، "ابره‌ای شهرک سیمانی" (۱۳۹۱) از علی عباس‌نژاد، "و مترسک عاشق چشمان زاغ است" (۱۳۹۱) از علیرضا رجبعلی زاده را نخستین تجربه‌های نشر شده شعر سه سطری فارسی دری دانست. اینک مجموعه شعر "این روزها دچار خودم هستم" تجربه‌ی دیگری در گستره شعرهای کوتاه سه سطری فارسی دری‌ست.

جانپاره‌ها، رازها، رنج‌ها، شادی‌ها و دلتنگی‌های عمیق و ژرفی هستند که سراینده با کوتاه‌ترین، فشرده‌ترین و زلال‌ترین زبان، آنان را با ما در میان می‌گذارد. شاید نیز جرقه‌هایی هستند که با تمامی کوتاهی، شعله‌های سرکشی را در خویشتن پنهان دارند. شعله‌های سرکشی که بی‌تابی‌های روانک زندگی‌اند. بی‌تابی‌هایی که گویی در تمامی دقایق زیستن در جان شاعر به‌توته کرده‌اند و دمی رهايش نمی‌کنند. شاید برای همین است که گاه غم‌سرایی می‌کند، گاه عاشقانه می‌خواند، گاه عصیان می‌کند، گاه نفرین می‌کند، گاه چون بادی سر بر دیوار زیستن می‌کوبد، گاه از رنج‌های زمانه دلگیر می‌شود، گاه مایوس و ناامید خویش را در برهوت زیستن تنها می‌یابد و گاه نیز هر چیزی را بهانه‌ای می‌سازد برای رها شدن از رنج‌ها و شعله‌های خواسته و ناخواسته‌ای که توان فرسا و نامهربانند.

از لحن بغض‌آلوده نوحه‌روانی‌های من میداست
دستی دگر بر کوبه سردم نمی‌سایي
دیگر نمی‌آیی

پاییز جان خوش آمدی اما به باغ من
برگی برای هدیه به گلخانه تو نیست
هر چار فصل باغ من از زندگی تهی‌ست

او خود، در شعری کوتاه، سرنوشتش را خلاصه می‌کند و حال و روز خویش را ورق می‌زند. او در این شعر به زیبایی و رندانه سرنوشت خویش را با فلسفه

زیستن گره می زند تا بلندترین فریاد خویش را به گوش زندگی برساند .
 حال این روزهای من این است
 خسته ام، خسته از فراز و نشیب
 لعنت هر چه آدم است به سبب

با تمامی این ناهمگونی های زیستن او هرگز از سرخوشی ها نیز غافل
 نمی شود.
 تاریکم و بار مثل هر شب
 از دوستی شب و سهاره
 گل کرده حسودی ام دوباره
 آسمان هفتاد جانپاره گویا بغض آلود و ابری است. بغض سنگینی که ابرهای
 درهم و برهمی در آغوش گرفته اند و رهایش نمی کنند، هرچند، گاه نیز
 آفتابی از پس ابرها سرک می کشد و ستاره های از دور دست ها سوسو می زند.
 از این دیدگاه این مجموعه را باید دریچه ها، روزنه ها و شکاف هایی برای
 نگرستن به درونی ترین رنج های سراینده دانست.

جانپاره ها هفتاد دریچه اند. هفتاد لبخند و اخم، شاید نیز هفتاد گونه زیستن
 را تجربه کردن است. این مجموعه نیز چونان هر مجموعه شعر دیگری
 اوج و فرودها و برجستگی ها و کاستی هایی دارد. زبان شعرها زلال، سر
 راست، صمیمی اند و نشان دهنده وسواس شاعر برای رسیدن به زلالی و
 سادگی. بسیاری از شعرها به هر تعریفی که از شعر دل بسته باشیم، ناب
 و خواندنی اند و از موسیقی نرم و جان نوازی برخوردارند. شعرهای نابی

که بی تردید تجربه‌های ارزشمندی برای سراینده و شعر کوتاه ما هستند. شعرهای ارجمند و ویژه‌ای که به ترازمندی مهمی در زبان، فرم و ساختمان رسیده‌اند و تمامی شناسه‌های شعری کوتاه، زیبا و ماندگاری را دارند. برای نمونه:

بوی تند عطر صبح بارانی
در غیاب تو خانه غم دارد
آسمان یک ستاره کم دارد.

یک شب چو من به وادی لذت گناه کن
مکروه نیست توبه شکستن به راه عشق
یک بار هم برای خدا اشتباه کن

در برخی شعرها نیز سراینده، گویی از درافکادن با زبان شانه خالی کرده‌است و مصرع‌ها و سطرهای درخشان و زیبایی را با شتاب‌زدگی و بی‌حوصلگی رها کرده‌است. مصرع‌ها و سطرهایی که اگر با وسواس بیشتری در کنار سطرهای دیگری می‌نشستند، بی‌تردید از درخشان‌ترین شعرهای این مجموعه می‌شدند، برای نمونه:

قصه‌ی شهرپور از پیراهنت آغاز شد
باد با خود برد عطر را به اقصای جهان
تا گلی روید مگر در باغساران خزان

که در این سه سطر هرگز نمی‌توان ارزش شعری و ادبی سطر نخست را با دو سطر دیگر برابر دانست. در سطر نخست زبان به اوج شاعرانگی خویش می‌رسد. ناب و دلربا می‌شود و موسیقی چنان در تار و پود زبان جاری

شده است که گویی خونی ست که در پیکره‌ای زنده جریان دارد. تخیل قوی و زاینده این مصرع، زبان صیقل خورده و شیطنت آمیزش و نیز فضای تر و تازه‌اش را هرگز نمی‌توان با دو سطر دیگر هم طراز دانست. در سطر دوم نیم بند پایانی شعر را از تپش می‌اندازد و به گونه‌ای می‌شود که گویا سراینده، تنها در پی آن بوده است تا هر چه زودتر با آوردن دو قافیه دیگر مردو سطر پایانی، شعر را به سرانجامی برساند و همین شتاب‌زدگی شعر را دوپاره کرده است. سطر نخست، زبانی امروزی و فضایی نو دارد و سطر دوم با نشستن واژه "اقصا" کم خون و کم تپش می‌شود و در سطر سوم شعر به تمامی از تپش و زندگی وا می‌ماند و به نظمی خشک و کم خون مبدل می‌شود.

از این چند نکته که بگذریم، جانپاره‌ها سرشار از کشف‌های زبانی و شاعرانه‌اند. لبریز از تجربه‌هایی نو در گستره شعر کوتاه فارسی بی‌تردید هر تجربه تازه‌ای دشواری‌ها و سختی‌هایی دارد که در مسیر زمان و زبان از میان خواهد رفت و جانپاره‌ها گام دیگری در شعر کوتاه معاصر ایران است. گام مهمی که نشانه جدی گرفتن این قالب مهم و پرستاردار است. باید چشم به راه تجربه‌های تازه سراینده بود و به شاعر و این قالب کوتاه فرصت بالیدن و تجربه کردن داد. بی‌تردید جانپاره‌ها، بخش مهمی از تاریخ شعر کوتاه و سه سطر می‌معاصر هستند.

شاید فردا روز دیگری برای شعر کوتاه معاصر ایران باشد.

پیام سیستانی

نروژ - برگن

تیرماه ۱۳۹۴